

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنان علماء پیرامون خلافت

(ترجمه)

امت اسلامی سیزده قرن در سایه خلافت زندگی کرده است و هرگز تصور نمی‌کرد که با نبود خلافت، زندگی اسلامی‌اش از بین برود. علمای قبلی آن تحت سلطه خلیفه زندگی می‌کردند و این نعمت را از دست نداده بودند و تلخی نابودی آن را احساس نکرده بودند. با این وجود، ما ابن تیمیه و دیگران را می‌بینیم که آن را "یکی از بزرگ‌ترین وجایب دین می‌دانند؛ تا جایی که دین بدون آن قایم نخواهد شد." دلیل این امر آنست که آن‌ها اسلام را به روشی عمیق و جامع درک کرده بودند که از طریق آن توانستند اهمیت خلافت را درک کنند؛ بدون این که مستقیماً این اهمیت را احساس نمایند. به عبارت دیگر، بدون این که شاهد نابودی خلافت باشند.

برای پی بردن به اهمیت این فریضه نزد علمای قبلی امت، باید گذری در برخی از کتاب‌های ارزشمند آن‌ها داشته باشیم: رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرمایند:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يَفَاتُلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيَتَّقَى بِهِ»

ترجمه: امام سپر است که در پشت آن جنگیده می‌شود و به او پناه برده می‌شود.

امام نووی در شرح صحیح مسلم هنگام توضیح این حدیث می‌گوید: این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم که امام سپر است، یعنی مانند مانعی است که دشمن را منع می‌کند که به مسلمانان اذیت برساند و مردم را از یکدیگر محافظت می‌نماید، حدود و محدوده اسلام را حمایت و محافظت می‌کند، مردم از او پروا می‌کنند و از قدرت او می‌ترسند (پشت سر او می‌جنگند) یعنی با او همراه کفار، خوارج و بقیه اهل فساد و ظلم به صورت مطلق جنگ می‌کنند.

امام ماوردی در کتاب الاحکام السلطانية و الولايات الدينية می‌گوید: "قطعا الله سبحانه وتعالى، امت را برای داشتن زعیم فراخوانده است تا جانشین نبوت باشد، مردم با او محافظت کردند و سیاست به او تفویض شود تا تدبیر امور توسط یک آیین مشروع صادر گردد و سخن بر یک نظر قابل پیروی جمع گردد. بنابراین، امامت یک اصل است که اساسات یک ملت بر آن استوار شده و مصالح امت با آن منظم می‌گردد... امامت برای جانشینی نبوت جهت حراست از دین و سیاست دنیا وضع گردیده و نگهداشتن آن برای کسی که آن را در میان امت اقامه نموده به اجماع امت واجب است؛ اگر چه ناشنویان با آن مخالفت کنند."

در کتاب "غایة البیان شرح زبد ابن رسلان" از فقیه شافعی شمس الدین محمد بن احمد الرملى الانصارى ملقب به الشافعی الصغیر (که از علماء قرن نهم هجری می‌باشد) موارد زیر را بیان می‌کند: "بر مردم واجب است تا امامی را تعیین کنند که به مصالح شان رسیده گی کند، احکام شان را تنفیذ و حدودشان را اقامه نماید، مرزهای شان را حفاظت و ارتش آن‌ها را تجهیز کند،

صدقه آنها را بگیرد، اگر می‌پرداختند، بر زورمندان، دزدان، راهزنان چیره گردد، اختلافات بین مخالفان را قطع نماید، غنائم را تقسیم کند... زیرا اصحاب پس از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم بر نصب خلیفه اجماع کردند تا جایی که آن را از مهم‌ترین واجبات قرار دادند و آن را بر دفن پیامبر صلی الله علیه وسلم مقدم کردند و مردم در هر عصری چنین عمل نمودند.

خلاصه: نویسنده کتاب "الفقه علی المذاهب الاربعه" می‌گوید: "تمام امامان رحمهم الله تعالی اتفاق دارند بر این که امامت یک فرض است و مسلمانان باید دارای امامی باشند که شعایر دین را اقامه نماید، در میان ظالم و مظلوم عدالت نماید و این که بر مسلمانان جایز نیست تا در سراسر جهان همزمان دو امام داشته باشند، نه موافق و نه متفرق."

علمای امروزی امت این مصیبت دردناک را تجربه می‌کنند و هر لحظه تلخی آن را می‌چشند! چگونه، نه در حالی که همه دنیا آمده اند تا آنها را به عنوان دولت‌های جهان سوم توصیف کنند، بعد از آن که دولت شکست‌ناپذیر بودند؟! چگونه نه وقتی کافر استعمارگر آنها را به دولت‌های ضعیف تقسیم کرده و بر سر هر دولتی دزدی را ایستاد نموده که نفوذ کفر را حراست می‌نماید و آگاهی امت و مال‌هایش را سرقت می‌کند، این بعد از دولت اسلامی است که آفتاب تحت حاکمیت آن غروب نمی‌کرد؟ توقع می‌رفت که علمای امروز نسبت به پیشینیان خود تحت تأثیر بیشتر، با حماسه و اشتیاق بیشتر و با اهتمام زیاده‌تر نگران این فرض بزرگ می‌بودند، زیرا این‌ها در دوران سقوط خلافت زندگی کردند و فاجعه آن‌را احساس کردند و این فکر اگر با احساس همراه باشد، قوی، صادق و آتشین خواهد بود. اما با وجود این، کسانی از ایشان را می‌بینیم که در مورد این فرض بزرگ سکوت می‌کنند و آنچه را که الله سبحانه و تعالی به تبلیغ آن دستور داده است، کتمان می‌نمایند و کاملاً آرام و آسوده هستند، گویا در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که با افکار و عقیده‌شان تناقض ندارد! شهید سید قطب رحمه الله می‌گوید: "الله سبحانه و تعالی می‌دانسته است که برخی از محافظان و نگاهبانان کتاب الله سبحانه و تعالی و گواهان بر آن، گاه‌گاهی حرص و آز زندگی دنیوی به دل‌ها و درون‌های‌شان سرک می‌کشد و می‌خزد. صاحبان سلطه و قدرت، و زورمداران دارائی و مکتب و دارندگان لذت و شهوت را پیرامون خود می‌بینند و می‌یابند. بالاخره کسانی را می‌بینند و می‌یابند که حکم الله سبحانه و تعالی را نمی‌خواهند و فرمان او را نمی‌پذیرند. چه بسا نگاهبانان کتاب الله سبحانه و تعالی، پای‌شان بلغزد و در برابر آرزوها و خواست‌های چنین ناهلانی چاپلوسی کنند و به امید کالاهای زندگی دنیا به کرنش در آیند و به دام طمع در افتند؛ همان‌گونه که پیشوایان دینی حرفه‌ای و دین به دنیا فروش در هر زمانی و در میان هرگروهی یافته می‌شوند که چنین کنند! بدان سان که در میان علمای بنی اسرائیل بودند. از اینجاست که الله سبحانه و تعالی ایشان را فریاد می‌دارد که:

﴿وَلَا تَسْتُرُوا بِآيَاتِي تَمَنَّا قَلِيلًا﴾ [مائده: 44]

ترجمه: آیات مرا به بهای ناچیز (دنیا، همچون رشوه و جاه و مقام) نفروشید.

فروش آیات به بهای: سکوت کردن یا تحریف روا داشتن و یا فتاواهای نادرست دادن... چیزی زشت‌تر از خیانت کسی نیست که او را امین دانسته اند. چیزی بدتر از کوتاهی کردن کسی نیست که او را نگاهبان و نگاهدار شمرده اند و چیزی پست‌تر از نیرنگ کسی نیست که او را به گواهی طلبیده اند. کسانی که خویشتن را «پیشوایان دین» می‌شمارند، القاب و عناوین «علماء دین» را دارند و خیانت می‌ورزند، کوتاهی می‌کنند و نیرنگ می‌بازند، برای حکومت دادن و حکمیت بخشیدن به آنچه الله سبحانه و تعالی

نازل کرده است به تلاش نمی ایستند و ساکت می مانند، سخنان را از موارد اصلی بدور می دارند و به تحریف آن ها می پردازند تا با هواها و هوس های حاکمان و زورمداران -به حساب کتاب الله سبحانه وتعالی- هم آهنگی و هم نوائی داشته باشند."

#أقيموا_الخلافة

ReturnTheKhilafah#

YenidenHilafet#

#خلافت_کو_قائم_کرو

نویسنده: فاطمة علیان - سرزمین مبارک فلسطین

مترجم: احمد صادق امین